

## تحلیل روابط ایران و توران در شاهنامه فردوسی، دوره پادشاهی نوذر، بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل (با نگاهی به مضامین دینی و اخلاقی)

علی حسن پور باقری<sup>۱</sup>، حسنعلی عباس پور اسفدن<sup>۲</sup>، محمدعلی خالدیان<sup>۳</sup>، کبری نودهی<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** شاهنامه فردوسی به عنوان مهم‌ترین اثر حماسی فارسی، به ابعاد گوناگونی از فرهنگ و تاریخ ایران زمین می‌پردازد. از آن جمله، روابط ایران و توران در دوران پادشاهی نوذر است که با التهابات بسیاری همراه بوده است.

**مواد و روش‌ها:** در این داستان، کنش‌های گفتاری شخصیت‌ها نمود ویژه‌ای دارد و روند روایت را پیش می‌برد. در این مقاله، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، روابط ایران و توران با رویکرد به نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل بررسی می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کنش‌های عاطفی در دو دسته «خشم و کین‌توزی» و «غم و اندوه» جای می‌گیرند و در بازنمایی حالات روانی شخصیت‌ها مؤثر هستند.

**یافته‌ها:** کنش اظهار برای بازنمایی برتری گوینده بر رقیب به کار گرفته شده و قابل راستی‌آزمایی است. کنش ترغیبی، شالوده‌های دینی و اخلاقی دارد و عمدتاً به صورت دستوری بیان شده است. از طریق کاربست این کنش، حمله به ایران از سوی تورانیان محقق شده است.

**نتیجه‌گیری:** کنش اعلامی شامل: اعلام جنگ علیه ایران از سوی تورانیان، اعلام مبارزه با رقیب و قتل نوذر به دست تورانیان می‌باشد. همچنین، کنش تعهدی در این داستان، جنبه گروهی و شخصی دارد و شامل رجزخوانی‌های پهلوانان برای یکدیگر است.

**کلیدواژه‌ها:** شاهنامه فردوسی، ایران و توران، نوذر، جان سرل، کنش‌های گفتاری.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران [alihasanpour47@gmail.com](mailto:alihasanpour47@gmail.com)
۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران [h.abbaspouresfeden@gmail.com](mailto:h.abbaspouresfeden@gmail.com)
۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران [khaledyan344@gmail.com](mailto:khaledyan344@gmail.com)
۴. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران [koobranodehi@gmail.com](mailto:koobranodehi@gmail.com)

مقدمه

مطالعات فلسفی مرتبط با تحلیل زبان که در سده بیستم در بیشتر کشورهای انگلیسی‌زبان رواج پیدا کرد، بعدها با عنوان سنت فلسفه تحلیلی شناخته شد. این فلسفه، پاره‌ای از موضوعات سنتی فلسفه را با شیوه‌های نوین درآمیخت و در این زمینه به تحلیل معنا توجه کرد (۱). مجموعه‌ای از پیشرفت‌های نظری مهم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی پدید آمد و فلسفه تحلیلی را با مفاهیم جدید مواجه کرد که نظریه کنش‌های گفتاری از آن جمله است. این مقوله در ابتدا با آرای جی. ال آستین طراحی و تبیین گردید. اساس شکل‌گیری نظریه کنش‌های گفتاری به دلیل مخالفت‌های او با آرای پوزیتیویست‌های منطقی بازمی‌گردد. از دید این گروه، کارکرد اصلی فلسفی زبان، ارزیابی جملات از دید صدق و کذب است؛ در غیر این صورت، آن جمله بی‌معنا خواهد بود.

آستین باور داشت که زبان، کارکردی صرفاً توصیفی برای تعیین صدق یا کذب واقعیت‌ها ندارد و برخی جمله‌ها شامل این تعریف نمی‌شوند و عملکرد دیگری دارند. او اعلام کرد که برخی جملات قابل ارزیابی صدق و کذب نیستند و هدفی که از بازگویی جملات دنبال می‌شود، انجام کنشگرانه یک عمل است نه تأیید صدق و کذب مسئله‌ای (۲). آستین این گروه از عبارات را «جمله‌های انجام‌گر» نامید (۱).

هنگامی که شخصی عباراتی چون: «این زن را به همسری برمی‌گزینم» و «قول می‌دهم فردا به دیدنت بیایم» و ... را بر زبان می‌آورد، کاری انجام می‌شود. بنابراین، باید آنها را نوعی کنش محسوب کرد (۱). جان سرل با نوعی بازنگری در آرای آستین، بیان کرد که گوینده با اظهار جمله‌ای که ادا می‌کند، دست‌کم سه نوع کنش جداگانه انجام می‌دهد که عبارت است از: الف) کنش تلفظی که شامل به‌کارگیری لفظی واحدهای بیانی مانند کلمه‌ها و جمله‌ها می‌شود. ب) کنش گزاره‌ای که گوینده هنگام سخن‌گفتن از چیزی یا اسناد و حمل‌کردن

چیزی در جمله انجام می‌دهد (۱). ج) کنش منظوری که در یک جمله بیان می‌شود و شامل انتقال محتوای گزاره‌ای آن جمله و همچنین، حمل و یک باز‌منظور مشخص به‌وسیله گوینده است (۳). جان سرل، اهداف کنش‌های منظوری را در پنج متغیر بازنمایی کرده که عبارت است از: اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی. از دید او، سه متغیر در این دسته‌بندی پنج‌گانه برجسته شده‌اند: ۱. حالات روانی و درونی ۲. کیفیت سازگاری گفتار با جهان خارج ۳. محتوای گزاره‌ای (۱).

از مبانی نظری کنش‌های گفتاری برای تحلیل متون ادبی نیز استفاده می‌شود به طوری که می‌توان ابعاد جدیدی از یک اثر را بازخوانی و گزارش کرد. شاهنامه فردوسی، مهم‌ترین اثر حماسی به زبان فارسی است که در آن، بخش محوری میراث فرهنگی، تاریخی، ادبی و ... ملت ایران در طول سده‌های متمادی بازنمایی شده است. سراینده شاهنامه شمه‌ای از هویت ملی و باستانی ایرانیان را شرح داده و در سه دوره مختلف اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی به شرح ماجراهایی پرداخته که در یک نگاه کلی، بازگوکننده سیر تحولات تمدنی این ملت است.

یکی از داستان‌های عبرت‌آموز در این اثر، مربوط به پادشاهی هفت‌ساله نودر است که نخستین نبرد ایران و توران نیز در دوره این شاه روی داده است. حضور پهلوانان ایرانی و تورانی در این داستان، برجسته و قابل توجه است. کنش‌های گفتاری این شخصیت‌ها در پی‌بردن مخاطب به واقعیت‌های بافت اجتماعی و فرهنگی دو ملت تأثیرگذار هستند. از این رو، مسئله اصلی مقاله حاضر این است که کیفیت روابط ایران و توران و نیز ساختار فرهنگی آنان با استفاده از ظرفیت‌های نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل بررسی شود. بر این پایه، سؤالات تحقیق حاضر عبارتند از: الف) نظریه افعال گفتاری سرل چه تأثیری بر دسته‌بندی و تحلیل گزاره‌های موجود در



داستان پادشاهی نوذر دارد؟ ب) پرتکرارترین کنش گفتاری در این داستان کدام است و این بسامد به چه معناست؟

### روش تحقیق

این تحقیق با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. برای تحلیل روابط ایران و توران در دوره پادشاهی نوذر، نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل در کانون توجه قرار دارد. سرل در نظریه خود، بافت کلام را در کانون توجه قرار داده و برای تحلیل‌های زبانی، از این متغیر استفاده کرده است. ساختار کلی مقاله به این شکل است که ابتدا توضیحاتی درباره پیشینه نظریه افعال گفتاری ارائه شده و سپس، آرای جان سرل به صورت مفصل تبیین گردیده و در نهایت، تحلیل روابط ایران و توران در پنج بخش کنش‌های اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، شاهنامه فردوسی و نمونه تحقیق، داستان پادشاهی نوذر است. تاکنون در هیچ پژوهشی، شاهنامه فردوسی خاصه داستان پادشاهی نوذر با رویکرد به مبانی نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل بررسی و تحلیل نشده است. بنابراین، در مقاله حاضر برای نخستین بار به این خلأ پژوهشی پرداخته می‌شود.

نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل: این نظریه زیرمجموعه تحلیل گفتمان به‌شمار می‌رود. آنچه در نظریه کنش‌های گفتاری اهمیت دارد این است که به‌جای توجه به جمله‌ها، تمرکز بر پاره‌گفتارها است. «پاره‌گفتارها قطعات کوتاه یا بلند زبانی هستند که معنای آنها حاصل تعامل زبان و بافت تولید است. این رویکرد باعث می‌شود که انعطاف بیشتری در تحلیل‌ها پدیدار شود زیرا از منظر کنش‌های گفتار، یک پاره‌گفتار می‌تواند کلمه، جمله یا گفتمانی کامل باشد» (۴).

سرل به صورت جاه‌طلبانه‌ای ادعا می‌کند که نظریه افعال گفتاری، مسائل مهمی چون حکایت، معنا، وابستگی افعال

گفتاری به نهادهای اجتماعی و حتی چگونگی استنتاج «باید» از «است» را توضیح می‌دهد. از نظر او کنش‌های گفتاری همواره با اظهار یک جمله یا علامت انجام می‌شوند. از این رو کنش‌های گفتاری به‌طور کلی تابع معنای جمله هستند (۱). سرل باور دارد که زبان نه تنها به توصیف پدیده‌ها می‌پردازد بلکه در اجرای آنها نقش دارد. به این معنا که گوینده از زبان برای درخواست انجام کار (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد (۵). اهداف کنش‌های گفتاری از دید جان سرل عبارتند از:

اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی.  
الف) کنش اظهاری: ماهیت این نوع کارگفت شامل اظهارات، ادعاها و نتیجه‌گیری‌هایی است که گوینده به حقیقت درستی یا نادرستی آن ایمان دارد (۶). به بیان دیگر، در این کنش، گوینده باور خود را درباره صدق گزاره‌هایی بیان می‌دارد و به بازنمایی وقایع و پدیده‌های جهان بیرون و عینی می‌پردازد.  
ب) کنش ترغیبی: گوینده با کاربست این کنش گفتاری، از شنونده می‌خواهد کاری انجام دهد. این کنش، برای بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسش به کار برده می‌شود (۷).

در این کنش، گوینده برای برانگیختن مخاطب برای انجام یا ترک کاری، واژه‌ها و عبارتها و فعل‌های ویژه‌ای را به کار می‌گیرد (۸).

ج) کنش عاطفی: این کنش‌ها شامل حالت روحی و روانی و احساسات گوینده می‌شود. هرگاه که گوینده حالات درونی خود را از طریق لذت، تنفر، عذرخواهی، علاقه و حتی ناسزا بیان می‌کند، نوع کنش، عاطفی است (۷).

این گزاره از طریق واژه‌های دارای بار عاطفی و احساسی مانند: تبریک و تسلیت، هجو و تشکر و مدح، تأسف خوردن و ... تأثیرات لازم را بر مخاطب ایجاد می‌کند (۸).

د) کنش تعهدی: برای بیان تعهد گوینده نسبت به تحقق عملی

### تحلیل روابط ایران و توران در شاهنامه فردوسی...

در آینده به کار گرفته می‌شود. وقتی فعل‌هایی چون: قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن، تضمین کردن، موافقت کردن، متعهد شدن و داوطلب شدن را به کار می‌بریم، این کنش، حاصل می‌شود (۸).

ه) کنش اعلامی: هدف این کنش، تغییر واقعی در جهان خارج از طریق گفتن چیزی است. در جمله‌های اعلامی، هدف گوینده، ایجاد وضعیت امور بیان شده در محتوای گزاره‌ای است که به درستی انجام موفقیت‌آمیز کنش گفتاری، منحصر است (۷).

### یافته‌ها

کنش اظهاری این کنش دارای ارزش صدق و کذب است و گوینده ادعای صادق بودن آن را دارد. هنگامی که گوینده جهان خارج از ذهن خود را آن‌طور که باید به تصویر می‌کشد، کنش از نوع اظهاری است؛ بنابراین، در این کنش، شاهد بازنمایی جهانی خودساخته و به عبارت بهتر، خودآراسته هستیم که می‌تواند در معرض انتقاد قرار بگیرد. دنیایی که برآمده از منویات و آرزوهای گوینده است و امکان دارد با عالم واقع، تفاوت اساسی داشته باشد.

در داستان نودر، هنگامی که تورانیان از بروز شکاف در نحوه کشورداری شاه ایران مطمئن می‌شوند، برای حمله به ایران اقدام می‌کنند. در این بین، هنگامی که پشنگ از انگیزه خود برای تسخیر ایران سخن می‌گوید، پسر او افراسیاب که بعدها دشمن اصلی ایرانیان می‌شود، شروع به رجزخوانی می‌کند و خود را آماده این نبرد نشان می‌دهد. ادعاهایی که افراسیاب مطرح می‌کند، از دید شنونده از قابلیت راستی‌آزمایی برخوردارند و می‌توان درباره صدق و کذب آن نظر داد. همچنین، با نگاهی برتری‌جویانه، به تسلط نظامی تورانیان بر ایرانیان گواهی می‌دهد و در نهایت، شرایط پیش‌آمده را عرصه‌ای برای رستاخیز خویش می‌داند. افراسیاب، دنیای خارج از ذهن

خود را به گونه‌ای که خود علاقه‌مند است، به تصویر می‌کشد و قضاوت‌های او برآمده از عواطف اوست، نه از روی اندیشه و خردورزی و شنونده نیز امکان داوری برای این گفته‌ها را دارد.

که شایسته جنگ شیران منم  
هم‌آورد سالار ایران منم  
اگر زادشم تیغ برداشتی  
جهانی به گرشاسپ نگذاشتی  
میان گر بیستی به کین‌آوری  
به ایران نکردی کسی داوری  
کنون هر چه مانیده بود از نیا  
ز کین جستن و جنگ و از کیمیا  
گشادنش بر تیغ تیز منست  
گه شورش و رستخیز منست  
(۹)

سپاه توران در نبرد طولانی، نودر (شاه ایران) را دستگیر و اعدام می‌کند. این موضوع برای ایرانیان گران تمام می‌شود و آنها را سوگواری می‌کند. بزرگان کشوری و لشکری به سوگواری مشغول می‌شوند. در این بین، زال به رجزخوانی می‌پردازد و با تهدید تورانیان، از انتقامی سخت سخن می‌گوید و ضمن آن، توان جسمی و جایگاه خود را بازنمایی می‌کند؛ ادعاهایی که می‌توان صدق و کذب آن را بررسی کرد و درباره کیفیت و چند و چون آن، گفتگو کرد. زال در ابیات ذیل، سعی می‌کند با تشریح شرایط خود، تصویری آرمانی از قابلیت‌های جنگی و اعتبارش را برای مخاطبان بازگو کند. این سخنان که برای نشان دادن برتری زال نسبت به دشمن بیان شده است، به دلیل درونی بودن منشأ سخن و اتحاد میان راوی و فرد توصیف‌شده، قابل سنجیدن و راستی‌آزمایی است و گویا راوی از روی منطق و استدلال صرف، اظهار عقیده نمی‌کند و قصد دارد سیمایی مطلوب و بی‌نقص از خویش نشان دهد؛ در حالی که بیان چنین ادعاهایی، مخالفانی نیز دارد.

همه انجمن زار و گریان شدند  
چو بر آتش تیز بریان شدند  
زبان داد داستان که تارستخیز  
نبیند نیام مرا تیغ تیز  
چمان چرمه در زیر، تخت منست  
سنان دار نیزه، درخت منست  
رکابست پای مرا جایگاه  
یکی ترگ تیره سرم را کلاه

(۹)

جهان پهلوان پورش افراسیاب بخواندش درنگی و آمد شتاب  
سخن راند از سلم و از تور گفت که کین زیر دامن نشاید نهفت  
سری را کجا مغز جوشیده نیست بر و بر چنین کار پوشیده نیست  
که با ما چه کردند ایرانیان بدی را بیستند یک یک میان ...  
به مغز پشنگ اندر آمد شتاب چو دید آن سهی قد افراسیاب  
بر و بازوی شیر و هم زوز پیل وزو سایه گسترده بر چند میل  
زبانش به کردار برنده تیغ چو دریا دل و کف چو بارنده میغ  
بفرمود تا برکشد تیغ جنگ به ایران شود با سپاه پشنگ

(۹)

قارن از ماجرای حمله افراسیاب به ایران آگاه می‌شود.  
او با تحلیل وضعیت پیش آمده، آسیب‌های احتمالی از جانب  
دشمن را برای مخاطبان خود برمی‌شمارد تا توجه شنوندگان را  
جذب کند و در ادامه، انجام‌شدن یا نشدن کاری را با اثرگذاری  
بیشتری برای آنها بازگو کند. او از به‌خطرافتادن نوامیس ایرانیان  
و نیز سرنوشت تلخ نوذر سخن می‌گوید تا به مخاطبانش یادآور  
شود که نیروهای دشمن با هویت و حمیت آنان چه کرده‌اند.  
برایند طرز نگرش قارن، شکل‌گیری تقابل دوگانی حق (ایران)  
و باطل (توران) و ایجاد انگیزه در نیروهای خودی برای دفاع از  
حقیقت است.

چو قارن شنود آنک افراسیا گسی کرد لشکر به هنگام خواب  
شد از رشک جوشان ودل کرد تنگ بر نوذر آمد بسان پلنگ  
که تورانشه آن ناجوانمرد مرد نکه کن که با شاه ایران چه کرد  
سوی روی پوشیدگان سپاه سپاهی فرستاد بی مر به راه  
شبستان ما گر به دست آورد برین نامداران شکست آورد  
به ننگ اندرون سر شود ناپدید به دم فراخان بیاید کشید  
تورا خوردنی هست و آب روان سپاهی به مهر از بر تو توان  
همی باش و دل را مکن هیچ بد که از شهریاران دلیری سزد

(۹)

واکنش مهرباب به سپاه توران که نزدیکی هیرمند آرام  
گرفته‌اند و منتظر صدور فرمان حمله به ایران هستند، برآمده از

کنش ترغیبی: در کنش ترغیبی، گوینده قصد دارد مخاطب  
خود را از روی اجبار یا تشویق به انجام یا ترک عملی دعوت کند  
(۸). این کنش گفتاری، نموده‌های مختلفی دارد و به صورت  
سؤال، تقاضا و دستور بیان می‌شود. هنگامی که گوینده از این  
کنش برای رساندن منظور خود بهره می‌برد، هماهنگی میان  
جهان خارج و دنیای آرمانی موردنظر اوست (۱۰).

در این کنش، گوینده خواهان تحقق دنیایی مطلوب است  
و جهان را آن گونه که تمایل دارد، تصور می‌کند. برای رسیدن  
به این هدف مهم، از دوروش سلبی و ایجابی استفاده می‌شود.  
به عبارت دیگر، گاهی شاهد امر و نهی راوی و گاهی شاهد  
خواهش و عجز وی از مخاطبش هستیم.

در داستان پادشاهی نوذر، فردوسی از کینه عمیق ایرانیان  
و تورانیان سخن می‌گوید که منشأ بروز درگیری میان دو قوم  
شده است؛ کینه‌ای که از زمان کشته‌شدن تورج به دست سلم  
و تور و در ادامه قتل سلم و تور به دست منوچهر آغاز شده و  
خسارت‌های جانی و مالی بسیاری را برای دو کشور به‌وجود  
آورده است. پشنگ (شاه وقت توران) از طریق جاسوسان خود  
در ایران آگاه می‌شود که شرایط حکمرانی نوذر، چندان مطلوب  
نیست و او مخالفان بسیاری دارد. از این‌رو، از شکاف سیاسی  
پیش‌آمده استفاده می‌کند و آن را فرصتی برای ضربه‌زدن به  
رقیب تلقی می‌کند.

او در اولین اقدام، افراسیاب را به‌عنوان فرمانده سپاهیان  
فرامی‌خواند و با برانگیختن احساسات او، مقدمات نبرد را فراهم  
می‌آورد. پشنگ با اشاره به ماجراهای گذشته و ترسیم جایگاه  
توران و ایران به‌عنوان ملت‌های ستمدیده و ستمگر، افراسیاب  
جوان را برای حمله به ایران ترغیب می‌کند. بنابراین، حالت  
سلبی در مونولوگ او با فرزندش به‌خوبی دیده می‌شود. در  
یک کلام، «انتقام و کین‌خواهی»، اصلی‌ترین عامل ترغیبی و  
انگیزشی برای آغاز نبردهای دو همسایه همخون است.

### تحلیل روابط ایران و توران در شاهنامه فردوسی...

درک عمیق او از موقعیت ایرانشهر و نیز شرایط بحرانی زال است. او از سویی، نسبت به سپاه دشمن اظهار فرمانبرداری می‌کند تا مانع از ویرانگری آنها شود و از طرف دیگر، نوندی را نزد زال می‌فرستد و نکاتی را درباره شرایط کنونی یادآوری می‌کند و در نهایت، با بیانی امری و دستوری از پور سام می‌خواهد برای نجات سیستان، فرصت را از دست ندهد. نگاهی به کنش گفتاری مهربان نشان می‌دهد که او با افزودن هیجان به پیام‌ها، زال را برای حضور در سیستان ترغیب می‌کند. به این اعتبار، مهربان هیچ‌گونه درنگی را برای زال روا نمی‌شمارد. مهربان با توصیف دقیق سپاه تورانی و مکان حضور آنها، بر اطلاعات جنگی زال می‌افزاید که این امر را نیز می‌توان عاملی برای افزایش انگیزه در زال و جزم کردن عزم او برای حرکت به سوی سیستان، خاصه منطقه هیرمند دانست.

ازین سر دل پهلوان بیست وزان سر سوی چاره یازید دست نوندی برفکنند نزدیک زال که پرنده شو، بازکن پر و بال به دستان بگوی آنچه دیدی ز کار بگویش که از آمدن سر مزار که دو پهلوان آمد ایدر به جنگ ز ترکان سپاهی چو دشتی پلنگ چو لشکر گشن بود بر هیرمند به دینارشان پای کردم به بند گر از آمدن دم زنی یک زمان برآیدهمی کامه بدگمان اغریث یکی از سپاهیان تورانی است که در برخورد با اسیران ایرانی، از روی خرد و منصفانه برخورد می‌کند. او با نگاهی اخلاقی و انسانی به اسیران توجه می‌کند و مانع از کشتار آنها توسط تورانیان می‌شود. او از افراسیاب درخواست می‌کند تا این گروه را در ساری زندانی کند.

اغریث با تأثیرگذاری بر افراسیاب، جان بسیاری از بیگناهان را نجات می‌دهد و از وقوع یک جنایت جنگی پیشگیری می‌کند. اغریث با این کنش‌های گفتاری، در پی ارتقای سطح انسانیت و ترویج اخلاق‌گرایی است. فردوسی از طریق خلق این شخصیت، در اندیشه بازنمایی فرهنگ مطلوب و آرمانی انسان‌دوستی در بافت حماسه است. این ویژگی به

تلاش سی‌ساله فرزانه طوس، اعتباری دوچندان می‌بخشد زیرا ژانر حماسه را از جنگ و ستیز صرف، فراتر می‌برد و عناصر هویت‌بخش انسانی همچون ترحم در حق اسیران را به آن می‌افزاید. در تحقق این هدف مهم، دوست و دشمن برای سراینده شاهنامه تفاوتی ندارد و برای مثال، در ابیات ذیل، اغریث، برادر افراسیاب تورانی را به‌عنوان قهرمان معرفی می‌کند.

گرفتار کشتن نه والا بود نشیب ست جایی که بالا بود  
سزد گر نیاید به جانشان گزند سپاری همیدون به منشان به بند  
بریشان یکی غار زندان کنم نگهدارشان هوشمندان کنم  
به ساری به زاری برآرند هوش تو از خون بکش دست و چندین  
مکوش

ببخشید جانشان به گفتار اوای چو بشنید با درد پیکار اوای  
بفرمودشان تا به ساری برند به غل و به مسمار و زاری برند  
(۹)

اغریث در داستان پادشاهی نودر، به مثابه پیر خردمند و فرزانه راهنما ظاهر می‌شود و با اینکه از تورانیان است، همواره می‌کوشد مانع از کشتار ایرانیان شود. افزون بر این سعی می‌کند با اندرز دادن به افراسیاب جوان و تندخو، ثبات شخصیتی را در او تقویت کند.

او از دو عنصر اخلاق و دین برای ایجاد تحولات شخصیتی در پور پشنگ و ترغیب او به خوب زیستن استفاده می‌کند. در توصیه‌های خود به برادرش بیان می‌دارد که از خداوند بترسد و در حق دیگران ستم روا ندارد. او از بی‌اعتباری زور و زر دنیا سخن می‌گوید و خردورزی را عامل اصلی مبارزه با اهریمن می‌شمارد. هدف او از بازگفت چنین مؤلفه‌هایی، دعوت افراسیاب به انجام رفتارهای مطلوب در امر کشورگشایی و نیز ارتباط‌های انسانی است.

هر آن‌گه کت آید به بد دسترس ز بزدان بترس و مکن بد به کس  
که تاج و کمر چون تو ببند بسی نخواهد شدن رام با هر کسی

می‌نمایاند. همچنین، واکنش اغریث همراه با عطوفت و مهربانی و مبتنی بر خردورزی است.

چنین گفت اغریث هوشمند که گر بارمان را رسد زین گزند دل مرزبانان شکسته شود برین انجمن کار بسته شود یکی مرد بی‌نام باید گزید که انگشت ازان پس نباید گزید پر آژنگ شد روی پور پشنگ ز گفتار اغریث آمدش ننگ به روی دژم گفت با بارمان که جوشن بیوش و به زه کن کمان (۹)

بسامد قابل توجه کنش عاطفی در داستان نودر، نشان از درک عمیق و درست راوی (فردوسی) از بافت موقعیتی رویدادها و نیز شخصیت مخاطبان دارد. فردوسی قصد دارد با کاربست پی‌درپی کنش‌های عاطفی در داستان، عواطف مخاطبان را تحریک کند تا مفاهیم موردنظر خود را که شامل مسائل اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و ... است، تشریح کند.

در ابیات ذیل، ارتباط عاطفی میان دو برادر پهلوان یعنی قباد و قارن بازنمایی شده است. تحلیل گفتگویی که میان آنها درگرفته است، به خوبی نشان از علاقه این دو به یکدیگر دارد. در ابتدای سخن، بار عاطفی منفی نمود دارد اما در ادامه از شدت آن کاسته می‌شود و این فراز و فرود عاطفی، مخاطب را به تفکر درباره روابط انسانی تبیین‌شده در ابیات ذیل وامی‌دارد. بافت موقعیتی این پاره‌گفتارها به گونه‌ای است که دو برادر را در صحنه نبرد به تصویر می‌کشد. آنها در برابر دشمن تورانی قرار دارند و یکی از آنها تصمیم به فداکاری می‌گیرد. احساسات برادر دیگر (قباد) برانگیخته می‌شود و از قارن درخواست می‌کند به دلیل کهولت سن از رجزخوانی و مبارزه در برابر بارمان تورانی پرهیز کند.

دژم گشت سالار بسیارهوش ز گفت برادر برآمد به جوش زخمش سرشک اندرآمده چشم از آن لشکر گشن و بدجای خشم که چندان جوان مردم جنگجوی یکی پیر جویدهمی جنگ اوی دل قارن آزرده گشت از قباد میان دلیران زبان برگشاد

یکی پر ز دانش یکی بی‌خرد به پاسخ به شمشیر یازید دست میان برادر به دو نیم کرد چنان بی‌وفا ناهشیوار مرد (۹)

کنش عاطفی: در کنش عاطفی، معمولاً دیدگاه یا حالت روان‌شناسی گوینده مانند: تأسف، گله‌مندی، لذت، علاقه یا تنفر بیان می‌شود. در این کنش، انطباقی میان ذهن و جهان بیرون وجود ندارد. نمود کنش عاطفی در سرزنش، تبریک، تحسین، تشکر و عذرخواهی قابل مشاهده است (۳). بنابراین، در جریان این کنش، احساسات مثبت یا منفی گوینده از طریق واژه‌های عاطفی بازگو می‌شوند (۱۱). با توجه به توضیحاتی که درباره این کنش تبیین شده است می‌توان آن را با مؤلفه‌های ژانر غنایی دارای اشتراکات فراوانی دانست. مخاطب از طریق این کنش با درونی‌های شخصیت‌ها که نمود عینی و محسوس پیدا می‌کنند، آشنا می‌شود.

در ابیات ذیل، تقابل میان هوشمندی و تعصب، بازنمایی شده است. اغریث (برادر افراسیاب) پیشنهاد می‌کند که برای غافلگیرنشدن در میدان نبرد با ایرانیان، بارمان به میدان فرستاده نشود اما افراسیاب این موضوع را نمی‌پسندد و با خشم و عصبانیت، بارمان را برای مبارزه فرامی‌خواند. حسادت و رشک‌ورزی افراسیاب نسبت به اغریث در این کنش گفتاری دیده می‌شود. فردوسی با برجسته‌کردن عواطف افراد، بخشی از شخصیت و هویت آنها را برای مخاطب بازنمایی می‌کند. همچنین، کاربست کنش‌های عاطفی در یک متن حماسی، آن را به دنیای واقعی انسانی نزدیک‌تر می‌کند و مخاطب به این باور می‌رسد که با افرادی واقعی مواجه است. «جریان هیجانی-عاطفی سبب شکل‌گیری عملیات یا جریان کنشی می‌شود و احساس گوینده از طریق واژه‌های احساسی و عاطفی با بار مثبت یا منفی بیان می‌شوند» (۱۱). بر این پایه، افراسیاب در برابر رویدادهایی که می‌بیند و می‌شنود، واکنشی خشم‌آلود نشان می‌دهد و به صورت غیرمستقیم، خود را به مخاطب

تحلیل روابط ایران و توران در شاهنامه فردوسی...

که سال تو اکنون به جایی رسید که از جنگ دست بیاید کشید (۹)

نوذر هنگامی که در برابر تورانیان شکست می خورد و در دشت نبرد به عقب رانده می شود، اظهار عجز و ناتوانی می کند. فردوسی شدت استیصال نوذر را به خوبی ترسیم می کند و به واسطه کنش های گفتاری و البته، رفتاری این شخصیت همچون: آه کشیدن، گریستن، یادکرد نوستالژیک از پدر، روان رنجوری و بیان جملات منفی و دردمند، مخاطب از شرایط روحی و درونی وی آگاه می شود. نوذر از پیش بینی پدرش مبنی بر شکست و نگون بختی حکومتش سخن می گوید و در لایه های مختلف، یأس خویش را اظهار می دارد.

در ابیات ذیل، ترس همراه با ناامیدی نوذر از شکست و نابودی به مخاطب منتقل می شود و مخاطب به راحتی آن را می پذیرد. چو از دشت بنشست آواز کوس بفرمود تا پیش او رفت طوس بشد طوس و گسته هم با او به هم لبان پر ز باد و روان پر ز غم بگفت این که در دل مراد درد چیست همی گفت چندی و چندی گریست

از اندرز فرخ پدر یاد کرد پر از خون جگر، لب پر از باد سرد کجا گفته بودش که از ترک و چین سپاهی بیاید به ایران زمین وز بیشان تو را دل شود دردمند بسی بر سپاه تو آید گزند (۹)

پس از مرگ نوذر، سپاه ایران دچار گسستگی می شود و پهلوانانی چون: گسته هم و طوس و ... از خود بی خود می شوند. شاه در نظام گفتمانی ایرانشهری، جایگاهی مهم و الهی دارد و ستون کشور به حساب می آید.

مرگ او به منزله درهم شکسته شدن این ستون و بروز آسیب های فرهنگی بسیار است. از این رو، واکنش گفتاری و رفتاری پهلوانان، همراه با آه و ناله و اشک و فریاد است. فردوسی بیان می کند که این افراد در حین حرکت به سوی

سیستان، بی توقف از شاه یاد می کردند و نام او را بر زبان می آوردند. فردوسی با بازنمایی این کنش عاطفی تأثیرگذار، مخاطب را با خود همراه می کند و نه تنها احساسات وجودی این پهلوانان، بلکه کیفیت عواطف ایرانیان علاقه مند به فرهنگ ایرانشهری را شرح می دهد. کاربست همزمان کنش های رفتاری و گفتاری، پذیرش سریع بار معنایی و عاطفی ابیات را برای هر نوع مخاطبی آسان تر می کند.

به گسته هم و طوس آمد این آگهی که شد تیره دیهیم شاهنشاهی به شمشیر تیز آن سر تاجدار به زاری بریدند و برگشت کار بکنند موی و شخوندند روی از ایران برآمد یکی های و هوی سرسرکشان گشت پر گرد و خاک همه دیده خون و همه جامه چاک سوی زاولستان نهادند روی زبان شاه گوی و روان شاه جوی بر زال رفتند با سوگ و درد رخان پر ز خون و سران پر ز گرد (۹)

کنش اعلامی: این کنش در پرتو کاربست گزاره هایی است که به شرایط ویژه و جدیدی در دنیا واقعی و بیرونی می انجامد و معمولاً با فعل هایی چون: اخراج کردن، منصوب کردن، نامگذاری، اعلام، به کارگماردن، باطل کردن، فسخ کردن، پایان دادن و ... بیان می شود. در شاهنامه بارها شاهد بهره گیری از این کنش بوده ایم زیرا پهلوانان و شاهان در ابتدا نظرات خود را به اطرافیان اظهار می کنند و در گام بعدی، بر اساس این نظرات، تغییرات جدیدی در جهان خارج به وقوع می پیوندد. در داستان پادشاهی نوذر، پشنگ (شاه توران) به صورت رسمی علیه ایرانیان که در موضع ضعف قرار دارند، اعلام جنگ می کند و فرزند خود، افراسیاب را برای حمله به ایران فرامی خواند. در پی تبیین راهبردهای نظامی از سوی پشنگ، نبرد میان ایران و توران آغاز می شود که یکی از مهم ترین نتایج آن، کشته شدن شاه ایران (نوذر) و محاصره سیستان است.

ز نارفتن کار نوذر همان یکایک بگفتند با بد گمان چو بشنید سالار ترکان، پشنگ چنان خواست کاید به ایران به

جنگ ...

کنون روز تیزی و کین جستن ست رخ از خون دیده گه شستن ست  
ز گفت پدر مغز افراسیاب برآمد از آرام وز خورد و خواب...  
میان گر بیستی به کین آوری به ایران نکردی کسی داوری  
(۹)

هنگامی که سپاهیان تورانی وارد مرزهای ایران می‌شوند،  
قباد برای مقابله با بارمان داوطلب می‌شود تا با کشتن او،  
ضربات مهلکی بر سپاهیان دشمن وارد آورد. قباد از برادر  
خود جدا می‌شود و با بیان جملاتی، او را نسبت به رقم خوردن  
شرایط جدید آگاه می‌کند و در گام بعدی، مطابق انتظار، شروع  
به رجز خوانی می‌کند و بارمان را به مبارزه فرامی‌خواند.

سرم را به کافور و مشک و گلاب تنم را بدان جای جاوید  
خواب  
سپار ای برادر تو پدرود باش همیشه جهان تار و تو پود باش  
بگفت این و بگرفت نیزه به دست به آوردگه رفت چون پیل  
مست

چنین گفت با رزمز بارمان که آورد پیشم سرت را زمان  
ببایست ماندن که خود روزگار همی کرد با جان تو کارزار  
چنین گفت مر بارمان را قباد که یک چند گیتی مرا داد داد  
به جایی توان مرد کاید زمان نپاید زمان یک زمان بی گمان  
بگفت و برانگیخت شب‌دیز را نداد آرمیدن دل تیز را  
ز شبگیر تا سایه گسترده هور همی این بران، آن برین کرد زور  
(۹)

در ابیات ذیل، نوذر که به اسارت تورانیان درآمده است، از  
سوی پیران ویسه فراخوانده می‌شود. او قصد دارد انتقام خون  
برادرش را از شاه ایران بستاند. از این‌رو، فردی را برای آوردن  
نوذر می‌فرستد. شاه درمی‌یابد که شرایط جدیدی برایش رقم  
خواهد خورد و باید آماده مجازات شود. هم‌زمان با شنیدن این  
پرسش که «نوذر کجاست؟»، انطباق بین زبان و جهان خارج  
روی می‌دهد و موقعیت جدیدی ایجاد می‌شود که همانا مرگ

نوذر است.

سپهدار نوذر چو آگاه شد بدانست کش روز کوتاه شد  
سپاهی پر از غلغل و گفتگوی سوی شاه نوذر نهادند روی  
گرفتند بازوش با بند و تنگ کشیدنش از جای پیش نهنگ  
(۹)

کنش تعهدی: کاربست افعالی که ذیل عنوان کنش تعهدی  
قرار می‌گیرند باعث می‌شود «گوینده با آنها خود را به چیزی  
ملتزم و متعهد کند، مانند وعده دادن و امثال آن» (۷). این کنش  
برخلاف کنش ترغیبی است. به این معنا که در کنش ترغیبی،  
گوینده انجام یا ترک عملی را بیان می‌کند و انجام آن برعهده  
شنونده قرار دارد اما در کنش تعهدی، فرد گوینده، ملزم به  
انجام آن عمل است. به بیان دیگر، فردی که از کنش تعهدی  
برای تبیین دیدگاهش استفاده می‌کند، خود را در معرض انجام  
حتمی عملی قرار می‌دهد که در نهایت می‌تواند مورد ارزیابی  
شنونده قرار بگیرد. در بخشی از داستان، قارن در برابر حریفش  
رجز خوانی می‌کند تا با ایجاد تعهد در خود، زمینه‌های لازم را  
برای ایجاد تحولات عمده و محسوس در جهان خارج فراهم  
کند. قارن متعهد می‌شود از طریق انجام آنچه در محتوای  
گزارها بیان کرده است، این دگرگونی‌ها را محقق سازد. طبیعتاً  
با توجه به محتوای شاهنامه، قارن از جنگ و ستیز با رقیب  
سخن می‌گوید.

چنین داد پاسخ که من قارنم گلیم اندر آب روان نفگنم  
نه از بیم رفتن نه از گفتگوی به پیش پسر آمدم جنگجوی  
چو از کین او دل پرداختم کنون کین و جنگ تو را ساختم  
(۹)

در بخشی از داستان، سام بدرود حیات می‌گوید و زال به سوگ  
می‌نشیند. او به‌واسطه ازدست‌دادن پدر، اندوهگین شده و  
برای مدتی از کشورداری کناره گرفته است. در برابر، تورانیان و  
در رأس آنان، پور پشنگ از وضعیت پیش‌آمده ابراز خوشحالی  
می‌کنند و این واقعه را به فال نیک می‌گیرند و برای حمله به

سیستان و تسخیر آنجا آماده می‌شوند. مهرباب که در نبود زال در منطقه حضور دارد، با شنیدن این خبر، تن به مذاکره با تورانیان می‌دهد و برای جلوگیری از ورود آنان به شهر، ابراز فرمانبرداری می‌کند.

او افراسیاب را شاه می‌خواند و خویش را متعهد و ملزوم به اطاعت از وی می‌کند تا با این ترفند، از کشتار مردم سیستان جلوگیری کند.

از ایدر چو داستان بشد سوگوار ز بهر ستودان سام سوار  
دل‌م شادمان شد به تیمار اوی برآنم که هرگز نبینمش روی

(۹)

زمان خواهیم از نامور پهلوان بدان تا فرستم هیونی دوان  
یکی مرد بینادل پرشتاب فرستم به نزدیک افراسیاب  
مگر کز نهان من آگه شود سخن‌های گوینده کوتاه شود  
نثاری فرستم چنان چون سزاست جز آن نیز هرچ از در پادشاست  
گر ایدونک گوید به نزد من آی جز از پیش تختش نباشم به پای  
همه پادشاهی سپارم بدوی همیشه دل آرمیده دارم بدوی

جدول ۱. تحلیل روابط ایران و توران در داستان نوذر بر اساس مبانی نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل

نوع کنش	کار بست آن در داستان نوذر در شاهنامه فردوسی
۱. ترغیبی	بیان‌شدن به صورت دستوری و امری - برخورداری از دو عنصر دین و اخلاق - ایجاد انگیزه در تورانیان برای حمله به ایران
۲. عاطفی	بیانگر تردیدهای تورانیان برای حمله به ایران - یورش به ایران از طریق تأثیرگذاری عاطفی - بازنمایی حالات روانی و درونی شخصیت‌ها - کنش‌های عاطفی مبتنی بر «خشم و کین‌توزی» و «اندوه و غم»
۳. تعهدی	رجز‌خوانی‌های تعهدآور پهلوانان برای هم - برخورداری از انگیزه‌های شخصی و گروهی
۴. اظهاری	نشان دادن برتری گوینده بر رقیب
۵. اعلامی	اعلام جنگ علیه ایرانیان از سوی تورانیان - اعلام مبارزه با رقیب - قتل نوذر

نتیجه‌گیری

امر با عنایت به جایگاه معنوی و سیاسی پشنگ، بدیهی به نظر می‌رسد. افزون بر کنش‌های ترغیبی، کنش‌های عاطفی نیز در این داستان پرتکرار بوده است که نشان از تردیدهای بسیار تورانیان برای آغاز نبرد با ایرانیان دارد.

پشنگ با توجه به قدرت بالقوهای که به‌عنوان پادشاه دارد، نقشه‌راه سپاهیان را برای مبارزه به دشمن ترسیم می‌کند و با تأثیرگذاری‌های عاطفی، مخاطبان خود را آماده نبرد می‌کند. کنش‌های عاطفی داستان در دو دسته کلی جای می‌گیرد:

۱. خشم و کین‌توزی ۲. غم و اندوه. هر دو حالت، با حال و هوای حماسه همخوانی دارد. به‌واسطه کار بست این کنش، حالات روحی و درونی شخصیت‌ها به‌خوبی بازنمایی شده و بر گستره آگاهی و شناخت مخاطبان در ارتباط با پهلوانان ایرانی و تورانی افزوده شده و تأثیر مطلوب عاطفه در پیشبرد

نبرد میان ایران و توران در سه برهه زمانی مختلف روی داده است. نخستین بار این دو همسایه در زمان پادشاهی نوذر و پشنگ تورانی به تقابل پرداختند. بررسی کنش‌های گفتاری و شخصیت‌هایی که در این نبردها حضور داشته‌اند و گفته‌پرداز به تشریح آن پرداخته است، نشان از آن دارد که پشنگ پس از آگاهی از مرگ منوچهر و بی‌سامانی حکومت ایران در زمان نوذر، تصمیم می‌گیرد با گردآوری پهلوانان و سپهسالاران تورانی، آنها را برای حمله به ایران ترغیب کند. او با تکیه بر کنش‌های ترغیبی، مخاطبان خود را به این امر تشویق می‌کند و با ایجاد انگیزه در گروه هدف، برای تحقق دنیایی همسو با آرمان‌های خود برمی‌آید. کنش‌های گفتاری ترغیبی، عمدتاً دستوری و مبتنی بر دو عنصر دین و اخلاق بوده است که این

کنش‌هایی می‌کنند که برآیند آن دو موضوع است: ۱. پیروزی سپاهیان خودی ۲. برتری شخص رجزخوان بر رقیب. بنابراین، در ژرف‌ساخت این کنش، انگیزه‌های شخصی و گروهی دیده می‌شود. کنش‌های اظهاری در این داستان، برای نشان دادن برتری گوینده بر دیگران بیان شده و از آنجا که منشأ و مصدر این ادعا خود فرد است، احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد زیرا صرفاً گوینده و باورمندان به او، ادعای درست بودن آن را دارند و مخالفان، صحت آن را رد می‌کنند.

جریان روایت، برجسته و مبرهن گردیده است. در این داستان، بهره‌گیری از کنش‌های گفتاری اعلامی و اظهاری، اندک و محدود است زیرا پیشنگ بر آن است آتش انگیزه را ابتدا در وجود یاران و لشکریانش برافروزد و در گام بعدی، دستوراتی را برای تغییر شرایط و ایجاد موقعیت‌های جدید در دنیای واقعی فراهم کند. کنش‌های تعهدی در داستان، غالباً به رجزخوانی‌های شاهان و سپاهیان در حضور نیروهای خودی یا بیگانه محدود می‌شود. در لحظاتی که نبرد آغاز نشده است، پهلوانان با بیان جملاتی که مبین قدرت آنان است، خود را متعهد به انجام

## References

1. Searle, J.R, (1968), *Speech acts*, Cambridge: Cambridge university press.
2. Austin, j. L, (1971), *How to do things words*, Oxford: Oxford University Press.
3. Huang, Y, (2006), "Speech Acts", In Brown, K. ; A. Barber & R. J. Stainton (eds.), *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*, Oxford: Elsevier Ltd.
4. Hosseini Masoom, Seyed Mohammad and Radmard, Abdullah, (2015), "The effect of temporal-spatial context on speech action analysis; Comparison of the Frequency of Types of Speech Actions in the Meccan and Civil Surahs of the Holy Quran ", *Journal of Linguistic Research*, Volume 6, Number 3. [In Persian]
5. Zia Hosseini, Mohammad, (2012), *Sokhankavi*, Tehran: Rahnama. [In Persian]
6. Askarimetin, Sajjad and Rahimi, Ali, (2013), "Analysis of Legal Discourse; An Analysis of the Role of Expertise in the Legal Context ", *Journal of Linguistic Essays*, No. 15. [In Persian]
7. Searle, John, (2008), *spoken verbs; An Inquiry into the Philosophy of Language*, translated by Mohammad Ali Abdollahi, Second Edition, Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
8. Crystal, David, (2008), *A Daictionary of Linquistics and phonetics*, sixth edition, Oxford: Black well publishing Ltd.
9. Ferdowsi, Abolghasem, (1366), *Shahnameh*, by the efforts of Jalal Khaleghi Motlagh, under the supervision of Ehsan Yarshater, New York: Bibliotheca Persia. [In Persian]
10. Martínez-Flor, A, (2005), "A Theoretical review of the speech act of suggesting: Towards a taxonomy for its use in FLT", *Alicantina Revista de Estudios Ingleses*, Alicante, No. 18.
11. Safavid, Cyrus, (2004), *Introduction to Semantics*, Tehran: Surah Mehr. [In Persian]



## Analysis of Iran-Turan Relations in Ferdowsi Shahnameh, Nozar's Period, Based on John Searle's Theory of Speech Actions (Looking at Religious and Moral Themes)

Ali Hassanpour Bagheri<sup>1</sup>, Hassan Ali Abbaspour Esfadan<sup>2</sup>, Mohammad Ali Khaledyan<sup>3</sup>, Kobra Nodehi<sup>4</sup>

### Abstract

**Purpose:** Ferdowsi Shahnameh, as the most important Persian epic work, deals with various aspects of the culture and history of Iran. Among them, the relations between Iran and Turan during the reign of Nozar are accompanied by many inflammations.

**Materials and Methods:** In this story, the verbal actions of the characters have a special appearance and advance the narrative process. In this article 'citing library sources and descriptive-analytical method' the relations between Iran and Turan are examined with an approach to John Searle's theory of speech actions. The results show that emotional actions fall into two categories: "anger and resentment" and "sadness" and are effective in representing the mental states of the characters.

**Findings:** The declarative action is used to represent the superiority of the speaker over the competitor and can be verified. The act of persuasion has religious and moral foundations and is mainly expressed grammatically. Through the use of this action, the Turanians attacked Iran.

**Conclusion:** The declared action includes: the declaration of war against Iran by the Turanians, the declaration of the struggle against the rival and the murder of Nozar by the Turanians. Also, the act of commitment in this story has a group and personal aspect and includes the bragging rights of the heroes for each other.

**Keywords:** Ferdowsi Shahnameh, Iran and Turan, Nozar, John Searle, Speech Actions.

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran  
alihanpour47@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran  
h.abbaspouresfeden@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran  
khaledyan344@gmail.com
4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran  
koobranodehi@gmail.com